



سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین در پرتوی نظم نوین جهانی

دکتر محمد محمودی‌کیا^۱

^۱. استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی mmahmoudikia@yahoo.com

چکیده

این مقاله در پی بررسی سیاست خارجی یکی از سه بازیگر عمده نظم جهانی در حال شکل‌گیری، یعنی چین، در قبال تحولات نوین ژئوپلتیک خاورمیانه است. بر این اساس، این مقاله در دو سطح تحلیل سازماندهی شده است؛ سطح نخست به جایگاه چین در ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی نظام بین‌الملل جدید اشاره دارد و سطح دوم، به بررسی پیامدهای آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی چین در قبال تحولات ژئوپلتیک نوین خاورمیانه می‌پردازد.

این مقاله مدعی است چین با اتخاذ سیاست خارجی میانجی‌گرایانه در قبال بحرانها و مناقشات خاورمیانه سعی دارد تا به‌عنوان یک نیروی توازن‌بخش و ایده‌آل برای برون‌رفت از بحران‌های منطقه‌ای ایفای نقش نماید و از طریق تعمیق روابط اقتصادی با کشورهای منطقه، حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی بلند مدت خود را در خاورمیانه و به ویژه خلیج‌فارس تضمین نماید و از این طریق، از جایگاه مسلط آمریکا در منطقه کاسته و توازن هرچه بیشتر قدرت در عرصه بین‌المللی را به سود خویش تسهیل نماید.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی، خاورمیانه، چین، میانجی‌گری، نظم نوین بین‌المللی.

نظم جهانی که پس از ۱۹۴۵ توسط آمریکا و هم پیمانانش شکل گرفت، هم اکنون با ظهور قدرتمند اقتصادی چین و روسیه تهاجمی و ناراضی، دچار شکاف عمیقی شده است. تغییرات مذکور موجب تغییر در سمت گیری سیاست خارجی بازیگران عمده نظم نوین جهانی در قبال مسائل بین المللی و منطقه ای شده است. در این بین، چین سعی می کند تا با افزایش و نیز تعمیق روند وابستگی اقتصادی با مناطق راهبردی جهان از جمله خاورمیانه، به تقویت جایگاه جهانی خود کمک نماید. این در حالی است که چین در حال حاضر، قدرتی قاعده ساز نیست. چینی ها نه در حوزه نظامی و نه در حوزه اقتصادی هنوز قاعده ساز نیستند، اما در مسیر قاعده سازی در حال حرکتند. بر اساس اطلاعات و روندهای موجود به نظر می رسد چین در یک افق نزدیک بتواند به قدرتی قاعده ساز در جهان تبدیل شود (Champion & Leung, 2018).

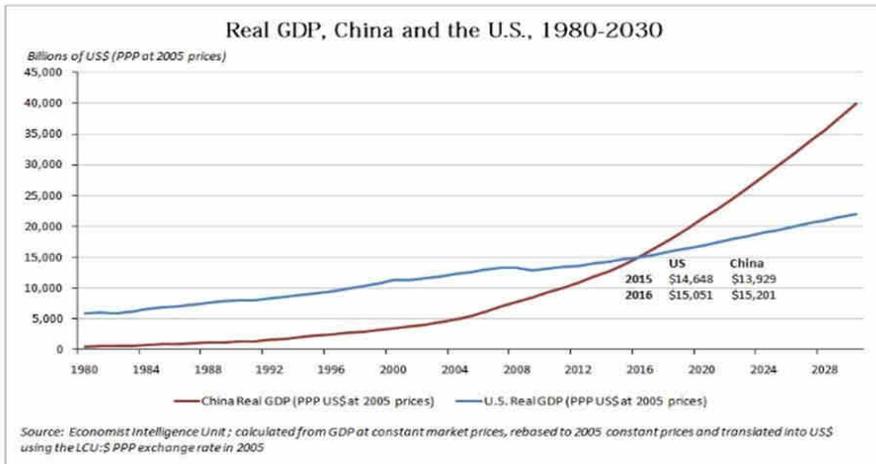
برای تبیین وضع موجود و نیز روندهای پیش روی چین در نظم نوین جهانی در این مقاله، نخست به بررسی جایگاه چین در ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی نظام بین الملل معاصر پرداخته و در ادامه، به بررسی راهبردهای سیاست خارجی چین در قبال بازیگران عمده خاورمیانه می پردازیم.

الف) جایگاه چین در ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی نظام بین الملل

طی دو دهه اخیر رقابت اقتصادی میان آمریکا و چین همواره به عنوان یکی از پرتنش ترین مناقشات فی ما بین دو کشور مطرح بوده است. رشد اقتصادی مثبت چین و نیز بهره مندی حداکثری این کشور از فرصت های نظم اقتصادی بین المللی موجود موجب شده است تا این کشور با اتکا به منابع سرشار، نیروی انسانی انبوه و نیز نرخ پائین دستمزدها، هزینه تمام شده تولید کالا را تا حد ممکن کاهش دهد و در نتیجه، سهم عمده ای از بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهد. بنا به گزارش صندوق بین المللی پول^۱، در حال حاضر چین، از حیث میزان تولید ناخالص ملی، کشور آمریکا را پشت سر گذاشته و به بزرگ ترین اقتصاد جهان تبدیل شده است. صندوق بین المللی پول رشد ناخالص داخلی را هم از لحاظ شرایط بازار و هم از لحاظ قدرت خرید بررسی کرده است. از لحاظ قدرت خرید، چین هم اکنون آمریکا را پشت سر گذاشته و به بزرگ ترین اقتصاد جهان تبدیل شده است.

¹ International Monetary Fund (IMF)

نمودار مقایسه‌ای تولید ناخالص ملی چین و آمریکا در سال‌های ۲۰۳۰-۱۹۸۰



منبع: IMF

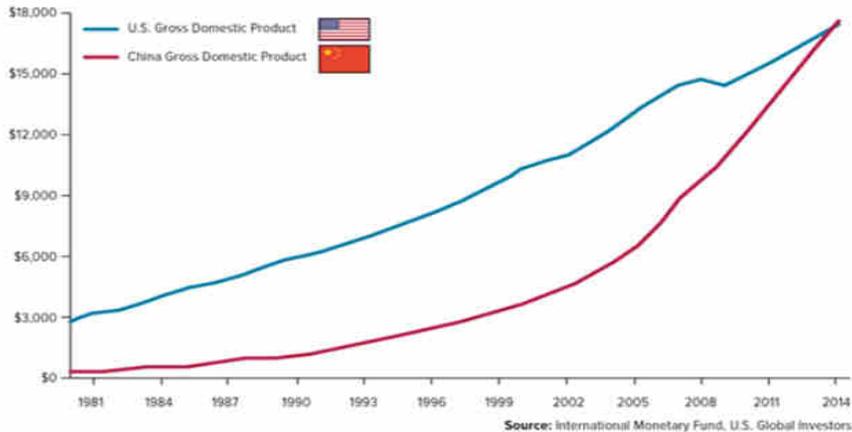
نمودار فوق که بر طبق گزارش IMF تهیه شده است نشان می‌دهد روند رشد تجاری این دو کشور به نقطه تلاقی رسیده است. در سال ۲۰۱۶، چین ۱۶/۴۸ درصد معادل ۱۷/۶۳۲ میلیارد دلار از سهم قدرت خرید جهان بر حسب تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. این در این حالی است که این رقم برای آمریکا برابر با ۱۶/۲۸ درصد معادل ۱۷/۴۱۶ میلیارد دلار بوده است.

طبق اطلاعات منتشر شده توسط پایگاه هریتیج، پارامترهای رهبری اقتصادی ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ بالاتر از رقیب خود، چین بوده است. بر اساس این گزارش، تولید ناخالص ملی آمریکا در سال ۲۰۰۹، ۱۴/۴۹ تریلیون دلار در مقابل ۴/۹ تریلیون دلار چین قرار داشته است. در خصوص کیفیت زندگی نیز آمار حکایت از برتری ایالات متحده در این سال دارد. چنانچه درآمد متوسط از تقابل ۴۸/۱۵ دلاری ایالات متحده در مقابل ۳/۷۳ دلار در چین خبر می‌دهد. نرخ بیکاری نیز در این سال در ایالات متحده کمتر از چین می‌باشد. نرخ بیکاری ۱۴ درصد ایالات متحده در مقابل نرخ بیکاری ۲۷/۱ درصدی در چین (Heritage.org).

نمودار مقایسه‌ای روند تغییر قدرت خرید مردم در چین و آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۵

China's Economy Surpasses the U.S.'s Based on Purchasing Power Parity

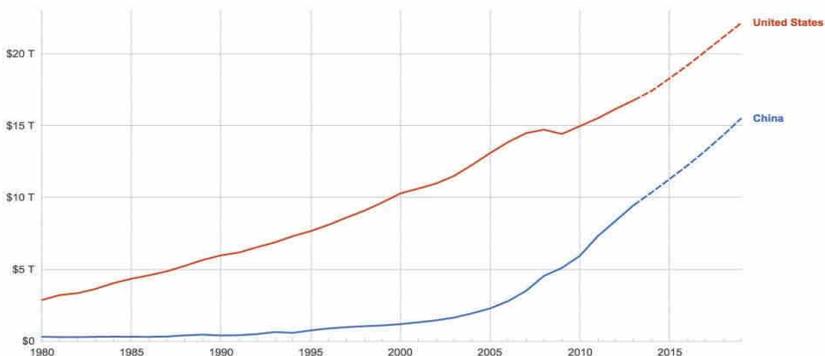
Billions of U.S. Dollars



منبع: IMF

البته برای مقایسه قدرت اقتصادی باید موارد دیگر را نیز در نظر گرفت. هنوز خیلی زمان لازم است که چین از لحاظ مواد خام، ایالات متحده را شکست دهد و این معیاری است که در هنگام محاسبه قدرت خرید مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با احتساب این موضوع، چین هنوز ۶/۵ تریلیون دلار از ایالات متحده عقب است و به همین دلیل امکان دارد موقعیت غالب آن چندان به طول نینجامد. در نمودار ذیل این موضوع به تصویر کشیده شده است.

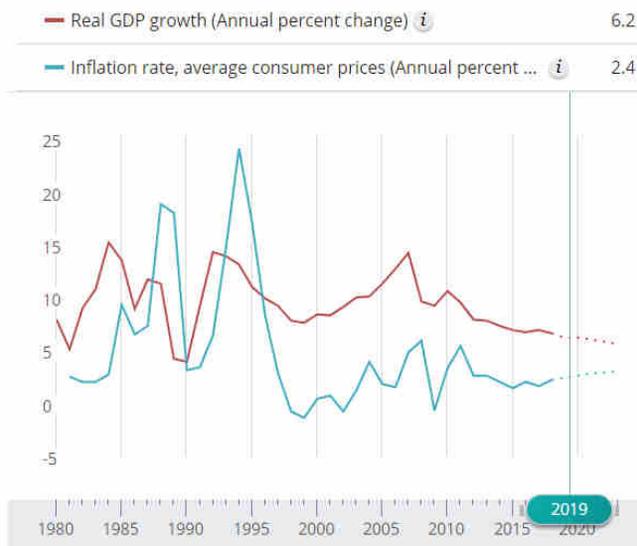
نمودار مقایسه‌ای مواد خام چین و ایالات متحده



منبع: IMF

بر اساس اعلام صندوق بین‌المللی پول، درصد تغییرات سالیانه میزان رشد تولید ناخالص ملی چین از سال ۲۰۱۰ تا کنون روندی نزولی داشته است ولی با این حال، نرخ رشد تولید ناخالص ملی برای این کشور در سال ۲۰۱۹، ۶٫۲ درصد پیش بینی شد. این نسبت در مقایسه با درصد سالیانه تغییرات نرخ تورم، ۲٫۴ درصد جایگاه بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد.

نمودار روند تغییرات GDP و نرخ تورم در چین از ۱۹۸۰-۲۰۱۹



منبع: IMF

بر اساس آنچه شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد چین به سرعت در حال تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی برتر در جهان است و این امر به وابستگی هرچه بیشتر این کشور به لزوم برخورداری از منابع انرژی و نیز بازارهای متنوع و گسترده مصرف کالاهای چینی در جهان منجر می‌شود. از این حیث، منطقه خاورمیانه اهمیت بسیار بالایی برای چین داشته و می‌تواند علاوه بر یک بازار مصرف بزرگ، نقش پایگاهی برای صدور کالاهای چینی به آفریقا و اروپا را نیز ایفا نماید. همچنین، این منطقه می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی پایدار برای چین تلقی شود. این امر، اتخاذ یک راهبرد سیاست خارجی بلندمدت در منطقه خاورمیانه

را برای چینی‌ها مسلم می‌نماید. در ادامه به بررسی کنش سیاست خارجی چین در قبال تحولات منطقه‌ای و نیز روابط آن با بازیگران عمده منطقه‌ای پرداخته می‌شود.

ب) سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین

خاورمیانه منطقه‌ای که روزگاری در دوران جنگ سرد محل نزاع شرق و غرب بود، اکنون شاهد تحولات ژئوپلیتیک جدیدی است. بسیاری از استراتژیست‌های آمریکایی دست‌اندازی چین را تهدید تزامنی نسبت به منافع ملی ایالات متحده ارزیابی کرده‌اند. با وجود این هشدارها، رئیس‌جمهور ترامپ از هزینه ۷ تریلیون دلاری آمریکا در منطقه اظهار تأسف کرده است. این موضوع و خلاء قدرت در خاورمیانه موجب شده است تا در فقدان توجه و سرمایه‌گذاری ایالات متحده، فرصت مغتنمی را برای چین به منظور سرمایه‌گذاری فراهم آورد و بتدریج توازن منطقه‌ای را از غرب به شرق متمایل گرداند (Vakil, 2018).

پیشینه نخستین ارتباطات میان چین و خاورمیانه به سلسله هان در ۲۰۰۰ سال پیش باز می‌گردد. از زمان تأسیس چین در سال ۱۹۴۹، جمهوری خلق چین مشتاق به توسعه روابط دوستانه با کشورهای خاورمیانه بوده است. پایان جنگ سرد و جنگ دوم خلیج‌فارس به طور اساسی به تغییر نیروهای سیاسی در خاورمیانه انجامید و فرصت‌های جدیدی را برای تغییر در عرصه روابط بین‌المللی به وجود آورد (Zhang, 1999).

خاورمیانه از پایان جنگ دوم جهانی نقطه حاد سیاست بین‌الملل بوده است. علاوه بر تناقضات و درگیری‌های داخلی، تقابل و ستیز میان ابرقدرت‌ها همچون پرده‌ای بر سراسر منطقه پوشانده شده بود. برای چین جدید، خاورمیانه مکانی ناآشنا و دوردست بود. دولت و دانشگاهیان چین درباره امور خاورمیانه، جنگ‌های اعراب و اسرائیل، تحریم نفت اطلاع چندانی نداشتند یا به آن توجهی نمی‌کردند. به‌طور طبیعی، تأثیر چین بر خاورمیانه محدود بود. آنچه در این مقطع چین می‌توانست اظهار کند این بود که این کشور نیز همانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه از تجاوز و قانون استعمارگران و امپریالیست‌ها رنج برده است و همچون آن‌ها باید از تمامیت ارضی، قلمرو و حاکمیت پس از استقلال دفاع کند. علاوه بر این، چین در آن سال‌ها به طور قاطع از فلسطینی‌ها و اعراب در مقابل مبارزه آن‌ها برای آزادی دفاع می‌کرد؛

امری که هسته سیاست خارجی شرقی چین در آن سال‌ها به شمار می‌رفت. به‌عنوان یک پاسخ مثبت به این سیاست، در می‌۱۹۵۶، مصر نخستین کشور خاورمیانه بود که به استقرار روابط دیپلماتیک با چین اقدام کرد. با این حال، کشورهای عربی که در ترس از ملی‌گرایی عرب قرار داشتند، برای مدت طولانی چین جدید را به رسمیت نشناختند (Zhang, 1999).

از زمانی که شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین اعلام کرد به دنبال ایفای نقش فعالانه‌تری در عرصه بین‌المللی است، خاورمیانه به یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های آن تبدیل شده است. از این رو در نشست ۲۱ کشور عرب در پکن در سال ۲۰۱۸، رئیس‌جمهور چین وعده اعطای وام و نیز کمک به‌منظور توسعه اقتصادی را به این کشورها داد. در این نشست عربی، دولت چین با موفقیت توانست روابط خود را با این منطقه به سطح یک شریک استراتژیک ارتقا دهد. به‌طور سنتی، چین برای عمل به‌مثابه پلیس جهانی در مناطق سیاسی داغ همچون خاورمیانه به دیگران و به‌ویژه ایالات متحده توجه می‌کند. همچنان که ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای تجارت و سرمایه‌گذاری به چین فشار وارد می‌کنند، چین نیز به دنبال فرصت‌های دیگر است. به‌طور مؤثری چین در حال راه‌اندازی یک برنامه مارشال کوچک برای خاورمیانه و شمال آفریقا است. پیام اصلی همکاری‌های عرب - چین این است که چین توسعه اقتصادی را کلید حل بسیاری از مسائل امنیتی و انسانی در منطقه می‌داند. چین به دنبال آن است که به‌عنوان یک الگوی جهانی که رشد اقتصادی موفق را با برخورداری از یک رژیم اقتدارگرا با موفقیت تجربه کرده است، معرفی شود. الگویی که در خاورمیانه برخی به دنبال آن هستند (Lehr, 2018).

در راستای همین سیاست در جذب کشورهای خاورمیانه، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر نیز در سپتامبر ۲۰۱۸ به چین مسافرت کرد تا علاقه‌مندی پکن به موقعیت راهبردی مصر را ایجاد نماید. تا به امروز، پکن بزرگ‌ترین شریک تجاری مصر است و مذاکراتی را برای موافقت‌نامه تجارت آزاد داشته و نیز سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری را نیز در بخش‌های زیرساختی در قاهره انجام داده است. اسرائیل نیز به موازات کشورهای عربی تلاش دارد تا زمینه‌های همکاری گسترده‌ای را با چین برقرار سازد. از این رو و بدنبال سفر نتانیاهو به پکن، همکاری‌های تجاری بین چین و رژیم صهیونیستی به خصوص در حوزه‌های علم و فناوری افزایش یافت. چین علاقه‌مندی خود را برای ایجاد یک راه آهن ارتباطی بین دریای سرخ به مدیترانه را نیز ابراز داشته تا در صورت توسعه، یک خط انتقالی جایگزین برای کانال سوئز ایجاد شود (Vakil, 2018).

کشورهای خاورمیانه در حال راهبری اصلاحات اقتصادی در سطوح مختلف هستند. بازسازمان دهی اقتصادهای ملی کشورهای خاورمیانه، اصلاح ساختار صنعتی و بازگشایی تدریجی بازارهای کالایی، فرصتی نادر برای شرکت‌های چینی فراهم ساخته است. این موضوعات چشم‌انداز گسترده‌ای را برای چین و خاورمیانه برای همکاری در حوزه‌های انرژی، کشاورزی بیابانی، نفت و پتروشیمی ایجاد می‌کند. در همین حال، این موضوع کانال جدیدی را برای تقویت روابط اقتصادی چین با کشورهای اروپایی فراهم می‌نماید چراکه بازار خاورمیانه نزدیک به اروپاست و برخی کشورهای جنوب مدیترانه موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد با اتحادیه اروپا امضا کرده‌اند (Zhang, 1999).

به‌طور قابل توجهی، چین و خاورمیانه منافع مشترکی دارند و روابط اقتصادی آن‌ها در حوزه‌هایی چون نفت در حال گسترش است. شرکت‌های چینی در بسیاری از پروژه‌های زیربنایی منطقه عربی در حال فعالیت هستند. برای مثال، چین مبلغ ۵۰ میلیارد دلار برای کمک به توسعه پایتخت جدید دولتی مصر متعهد شده است. در خاورمیانه تقاضا برای انرژی‌های تجدیدپذیر، خودورهای برقی و هوش مصنوعی رو به افزایش است؛ بخش‌هایی که چین نقش اساسی در آن ایفا می‌کند. در حقیقت، بیشتر حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش‌هایی رخ می‌دهد که این کشور در آن بخش‌ها نقش رهبری جهانی را ایفا می‌کند. منطقه عربی با آغوش باز از این فناوری‌ها استقبال می‌کند. اقدام دیگر چین در افزایش حوزه نفوذ خود در منطقه خاورمیانه تلاش برای تأسیس یک کنسرسیوم مالی جدید است. بر این اساس، بانک‌های عربی و چین با ایجاد یک صندوق مشترک به مبلغ ۳ میلیارد دلار به حمایت از بازسازی اقتصادی و تجدید حیات صنعتی می‌پردازند. حوزه‌های اصلی تمرکز بر افزایش همکاری‌ها در حوزه نفت، گاز، انرژی‌های پاک و هسته‌ای خواهد بود (Lehr, 2018).

خاورمیانه پل ارتباطی شرق و غرب است. از سال ۲۰۱۰، چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت از خاورمیانه و نیز عمده‌ترین صادرکننده کالا به این منطقه به شمار می‌آید. این ارتباطات در حالی که ابتدا اقتصادی بود، به معنای سیاسی رشد کرده‌اند و این معنا را در پی دارد که احتمالاً سیاست خارجی سنتی چین مبنی بر عدم مداخله که در سال ۱۹۵۳ بنیان نهاده شد به چالش کشیده می‌شود. در جولای ۲۰۱۸، چین ۲۰ میلیون دلار را به صورت وام و بیش از ۱۰۰ میلیون دلار به صورت کمک به‌عنوان بخشی از الگوی نفت و گاز برای بازسازی و احیای رشد اقتصادی در منطقه به کشورهای خاورمیانه اختصاص داد. بخشی از این بسته حمایتی به

صورت ویژه به فلسطین، سوریه، یمن و لبنان اختصاص یافت؛ جایی که رئیس‌جمهور شی جین پینگ عنوان کرد راه‌حل بسیاری از موضوعات در خاورمیانه در توسعه است. انتصاب نمایندگان ویژه جدید در سوریه و فرایند صلح خاورمیانه نشان‌دهنده آن است که چین در حال بررسی راهبردهای نوین برای حمایت از ثبات منطقه‌ای است (Vakil, 2018).

نفت خام یکی از راهبردی‌ترین کالاهای وارداتی چین است و خاورمیانه، آمریکا و روسیه تأمین‌کنندگان آن هستند. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت در جهان قصد دارد تا ظرفیت پالایش و ذخیره‌سازی خود را گسترش دهد تا از میزان آسیب‌پذیری خود در اثر ناپایداری‌ها در بازار جهانی انرژی بکاهد. هدف ایالات متحده مبنی بر به صفر رساندن صادرات نفت ایران، راهبرد واردات‌محور چین را به مخاطره می‌اندازد و همه نشانه‌ها حاکی از آن است که پکن تحریم‌های ایالات متحده را نادیده خواهد انگاشت و تجارت معمول خود را ایران ادامه خواهد داد. چین تا کنون مبلغ ۸/۵ میلیارد دلار در بخش‌های زیرساختی ایران سرمایه‌گذاری کرده است. با اعمال مجدد تحریم‌های ثانویه در نوامبر ۲۰۱۸ ایران مجدداً به‌عنوان نقطه اصلی جنگ تجاری چین و آمریکا تبدیل خواهد شد. علاوه بر این، چون خرید نفت ایران از طریق بانک مرکزی تحریم شده ایران انجام می‌شود، بانک خلق چین نیز تحت تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار خواهد گرفت (Daniels, 2018).

با رشد اقتصادی بیشتر، تقاضای چین برای نفت نیز به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت. این در حالی است که میزان استخراج از منابع نفتی چین رو به کاهش است. میدان‌های نفتی حال حاضر همچون داچینگ، سنگلی و لیاؤو در حال خشک‌شدن هستند. از یک منظر بلندمدت، میدان‌های نفتی زیرسطحی دریا در امتداد ساحل جنوب شرقی حوزه‌های نفتی تازه کشف شده بیابانی، امید زیادی به آن‌ها داده است. اما آن‌ها نمی‌توانند به سرعت به تقاضای نفت به دلیل آغاز دیر هنگام و عقب‌ماندگی فناوری و نیز نیاز به بودجه فراوان دست یابند. خوشبینانه‌ترین برآوردها در سال ۲۰۰۰ حاکی از آن بود که شکاف میان تولید و تقاضای نفت به بیش از ۲۰ میلیون تن خواهد رسید. بنابراین، برای ده سال آینده و یا حتی بیشتر، لازم است تا چین بحران‌های جدی انرژی را کاهش دهد. در سال ۱۹۹۳ چین برای نخستین بار واردکننده محصولات پتروشیمی و در سال ۱۹۹۶ واردکننده نفت خام شد. در سال‌های اخیر،

چین همکاری‌های بین‌المللی خود را در حوزه نفت گسترش داده است و تلاش می‌کند تا منابع انرژی خود را متنوع کند. با این حال، نفت خاورمیانه بیش از نیمی از واردات نفت به این کشور را تشکیل می‌دهد. به طوری که در سال ۱۹۹۶ این میزان به رقم ۵۳ درصد رسید. به نظر می‌رسد نفت خاورمیانه به یکی از اصلی‌ترین منابع تقاضای چین تبدیل شده است. در همین حال، به‌عنوان کشوری با جمعیت بیش از ۱/۴ میلیارد نفر، چین باید منافع ملی و کشور خود را در نظر بگیرد. این که چگونه به انرژی ارزان در بازار بین‌المللی دست یافت و از منابع داخلی حمایت کرد، چالش‌هایی هستند که چین با آن مواجه است. با توجه به این که برخی برآوردها حکایت از آن دارد که منابع نفتی چین در سال ۲۰۲۵ به پایان می‌رسد و نیز با توجه به توسعه حال حاضر و نیز بلندمدت، استراتژی تولید نفت و منابع گاز در خاورمیانه و آسیای مرکزی باید اولویت نخست باشد (Zhang, 1999).

تجارت و سرمایه‌گذاری همچنین بر اهمیت رو به افزایش چین در خلیج فارس تأثیر می‌گذارد. در واقع، بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای منطقه‌ای همچون چشم‌انداز ۲۰۳۰ ریاض یا چشم‌انداز ۲۰۲۵ اردن با فرصت‌های سرمایه‌گذاری OBOR (کمربند تجاری جاده ابریشم) ارتباط داشته‌اند. عربستان بزرگ‌ترین شریک تجاری چین در خاورمیانه به حساب می‌آید. ملک سلمان در سال ۲۰۱۷ به چین سفر کرد و قرارداد تجارت ۶۵ میلیارد دلاری را با این کشور امضا کرد. در جولای ۲۰۱۸ اجلاس سران عرب با حضور ۲۱ کشور عرب برگزار شد که هدف از آن مذاکره برای موافقت‌نامه تجارت آزاد با بلوک عربی اعلام شده است. امارات متحده عربی بعد از ریاض دومین شریک تجاری با چین است و از مزایای امضای پرشمار موافقت‌نامه تجاری و سرمایه‌گذاری پس از دیدار رئیس‌جمهور شی جین پینگ بهره برده است (Vakil, 2018).

رؤیای جاده تجاری ابریشم OBOR و موفقیت آن در سایه ثبات در منطقه ناپایدار خاورمیانه پیش‌بینی شده است. چالش‌های ناشی از تعارضات منطقه‌ای در سوریه و یمن، تهدید تروریسم، تأثیر بازیگران غیردولتی، منازعه رژیم صهیونیستی - فلسطینی و تنش‌های حول توافق‌نامه هسته‌ای ایران در افق پدیدار شده است و می‌تواند در عدم حضور ایالات متحده، به ناچار به افزایش مداخلات دیپلماتیک چین برای ثبات‌سازی محیط سرمایه‌گذاری منجر شود. توجه به این نکته اهمیت دارد که هرگونه تغییر در چشم‌انداز بلندمدت سیاست خارجی چین،

مسئله تایوان و درهای باز برای مداخله در حوزه نفوذ خود را به معرض می‌گذارد. از همین روی، در حال حاضر، پکن از هویج دوقلوی بیطرفی و سرمایه‌گذاری اقتصادی بهره می‌گیرد (Vakil, 2018). برای کشورهای خاورمیانه نیز پیامدها و فرصت‌ها ناشی از این تغییرات ژئوپلیتیک به همان اندازه عمیق است. از یک سو، سیاست نوآورانه جاده ابریشم مسیر بازی در جهت گوناگونی‌های ژئواستراتژیک را می‌گشاید، پیوندهای شرقی را می‌افزاید و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی که ریسکی به دنبال ندارد را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، فروش رو به افزایش تسلیحات چین به منطقه باید در زمینه ستیزه‌جویی منطقه‌ای و تنش‌های مداوم مورد توجه قرار گیرد. در مدت زمان طولانی، عدم وجود کنترل و تعادل آمریکا احتمالاً رقابت‌های منطقه‌ای را تشدید می‌کند که این موضوع به رقابت هرچه بیشتر اقتصادی و نیز منازعات در خاورمیانه می‌انجامد (Vakil, 2018).

رویکرد سیاست خارجی میانجی‌گرایانه چین در خاورمیانه: حل مناقشه تا مدیریت آن

دیپلماسی میانجی‌گری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اهداف و اعمال سیاست خارجی چین مطرح شده است و پکن تعمداً خود را به‌عنوان یک نیروی صلح‌ساز در معارضات و بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران افغانستان، سوریه، سودان، یمن، ایران و فرایند صلح اعراب - اسرائیل مطرح ساخته است. چین در حال عمیق‌تر و فعالانه‌تر کردن مداخلات دیپلماتیک خود در خاورمیانه است و سعی در شکل دادن به تحولات امنیتی و سیاسی خاورمیانه دارد. بنابراین، نقش واسطه صلح، راهی مشروع برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورهاست بدون آنکه موجب شود تا چین از اصول راهنمای سنتی خود مبنی بر سیاست عدم مداخله در امور داخلی دیگر بازیگران نظام بین‌الملل خارج شود. این سیاست همچنین به ارتقای امنیت منافع اقتصادی و نیز افزایش نفوذ سیاسی این کشور در سطح منطقه منجر می‌شود.

در خلال دهه‌های گذشته، بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و جهانی در برخی از نقاط به‌صورت واسطه صلح در بحران‌های خاورمیانه به ایفای نقش پرداخته‌اند. بازیگرانی چون آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای همچون مصر، ترکیه، عربستان و سازمان‌های بین‌المللی بزرگ بدون دستیابی به موفقیت‌های چندانی سعی نموده‌اند تا واسطه‌ای برای برقراری صلح و امنیت پایدار در منطقه شوند. چین بر خلاف دیگر بازیگران، هیچ‌گونه سابقه مذهبی، سیاسی، تاریخی و استعماری در منطقه ندارد و همین امر این کشور را به نامزدی

ایده‌آل در حل منازعات خاورمیانه و نقش یک واسطه صادق مطرح ساخته است. هر چند رفتار چین با اقلیت مسلمان اویغور در استان سین کیانگ می‌تواند سایه‌ای بر تصویر بیطرفی آن در جهان اسلام و خاورمیانه بیاندازد (Bianchi, 2016). با این وجود، چین نسبت به دیگران هنوز در موقعیت بهتری برای میانجی‌گری در منازعات قرار دارد.

دیپلماسی میانجی‌گری به پکن کمک می‌کند تا تصویری برای مخاطبان داخلی و بین‌المللی ایجاد کند مبنی بر این که پکن واسطه‌ای صادق در ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه است. این امر موجب افزایش اعتبار ملی و بین‌المللی چین می‌شود.

میانجی‌گری بخش جدایی‌ناپذیر یک سیاست خارجی و دیپلماسی ابزارگراست که از اهداف سیاسی و دیپلماتیک داخلی و بین‌المللی حاصل می‌شود (Touval, 2003: 91-95). راه‌های مقابله یا مدیریت منازعات بین‌المللی محدوده‌ای از اجتناب و عقب‌نشینی، گفتگوهای دوجانبه، تا اشکال مختلف مداخلات شخص ثالث را شامل می‌شود (Bercovitch & Houston, 1996: 11-36). در حالی که تعاریف و رویکردهای میانجی‌گری متفاوت است با این حال، میانجی‌گری معمولاً تلاش‌های متقاعد کننده از طرف ثالث درگیر در حل اختلافات در نظر گرفته می‌شود (Kressel & Pruitt, 1989). میانجی‌گری یک ابزار حل اختلاف است که نیازمند پذیرش و همکاری طرف‌های متخاصم است.

عمل حل‌وفصل و مدیریت منازعات از طریق واسطه‌ها از تاریخ طولانی و غنی‌ای در فرهنگ‌های غربی و غیرغربی برخوردار است (Gulliver, 1979). در تاریخ دیپلماسی میانجی‌گری، چین بندرت نقش میانجی در منازعات بین‌المللی را ایفا کرده است. از زمان تأسیس چین در سال ۱۹۴۹، چین به دلایل متعدد از مشارکت در ابتکارات میانجی‌گرایانه منطقه‌ای و بین‌المللی خودداری کرده است. نخست این که سیاست عدم‌مداخله به‌عنوان هسته فلسفه دیپلماتیک چین باقی مانده است. دوم، پکن بر این اعتقاد است که در بیشتر موارد، وضعیت بیطرفی موجب افزایش منافع ملی آن شده است چراکه این امر فرصت بیشتری برای مانور در تلاش‌های دیپلماتیک ایجاد می‌کند. چین ترجیح می‌دهد به منظور پرهیز از تقابل و منازعه، دیپلماسی به روش صلح‌جویانه و دوستانه را تعقیب نماید؛ مگر آنکه به منافع اصلی آن همچون حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی پیوند بخورد (Xiaohui and Qian, 2009: 79-96).

دیپلماسی میانجی‌گری در فرهنگ چینی منحصر به فرد است و به طور قابل توجهی از الگوی غربی میانجی‌گری متمایز است. نظر به این که رویکرد اخیر بر ارزش‌های یک نظام سودمندگرایی فردگرا شامل عدالت، برابری، مساوات و خودمختاری صحنه می‌گذارد، دیپلماسی میانجی‌گری چینی یک نظام ارزشی انسان‌مدارانه/ اخلاق‌مدارانه کنفوسیوسی را در بر می‌گیرد که مشتمل بر هماهنگی اجتماعی، مدارا، احترام به اقتدار، فروتنی و خیرخواهی است (Zhaoxing, 2005: 677-683). در فرهنگ چینی، میانجی‌گری بازتاب‌دهنده یک ارزش، سنت و عملی است که با هدف هماهنگی بین نظم اجتماعی، نظم جهانی و حتی نظم شخصی اعمال می‌شود.

روابط چین و جمهوری اسلامی ایران: شراکت پایدار و راهبردی

افزایش حجم مسافرت‌ها، تجارت و سرمایه‌گذاری بین پکن و کشورهای خاورمیانه نشان‌دهنده ارتباطات و تعاملات در حال رشد چین با بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای همچون ایران است. در سال ۲۰۱۶ رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ به کشورهای ایران، عربستان سعودی و مصر سفر کرد. به منظور جذب مشارکت هر چه بیشتر چین در سایه بازگشت تحریم‌های آمریکا به دلیل خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران، رئیس‌جمهور حسن روحانی نیز در ژوئن ۲۰۱۸ به چین سفر کرد. بدون رقابت اروپایی، چین این فرصت را داشت تا جایگزین شرکت‌های غربی در معاملاتی چون شرکت فرانسوی توتال در پروژه پارس جنوبی شود. چین بزرگ‌ترین خریدار نفت خام ایران است و احتمالاً به خرید نفت از ایران ادامه خواهد داد تا ایران را در مقابل تحریم‌های آمریکا محافظت نماید (Vakil, 2018).

در طول سه دهه اخیر، روابط ایران با هدف خروج از انزوای بین‌المللی به سوی توسعه همکاری‌های عمیق‌تر با چین و روسیه معطوف بوده است. این همکاری‌ها موجب شده تا سطح تعامل ایران و چین و روسیه به سطح یک شریک راهبردی ارتقا یابد. روابطی که برغم فشارهای بین‌المللی و تلاش‌های یکجانبه ایالات متحده تاکنون ادامه داشته است. هرچند این روابط تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی از نوساناتی نیز برخوردار بوده است. با این همه، حتی پس از زمانی که ایالات متحده اعلام کرد تصمیم دارد تا فروش نفت خام ایران را به صفر برساند، چین اعلام کرده است این کشور به ادامه واردات نفت خام از ایران ادامه خواهد داد. تعامل چین با ایران ممکن است زمینه را برای مسائل دیگر هموار کند و کمپین فشارهای جدید ایالات متحده را تضعیف کند.

مقامات چینی اغلب روابط خود با ایران را به‌عنوان «بیست قرن همکاری» توصیف می‌کنند، اما همکاری معاصر دو کشور از واپسین روزهای دوره حکمرانی سلطنتی در ایران آغاز می‌شود. در اوت ۱۹۷۸، هوآ گوفنگ^۱، رهبر حزب کمونیست چین به ایران سفر کرد. این نخستین ملاقات یک رهبر حزب کمونیست چین از یک کشور غیر کمونیست بود. هرچند انقلاب اسلامی کمتر از چند ماه بعد حکومت محمدرضا پهلوی را سرنگون کرد، هوآ پایه‌ای برای همکاری بنیان نهاد که بعد از رژیم شاه نیز امکان ادامه دادن یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هوآ به سرعت از رژیم جدید بلحاظ سفر قبلی خود عذرخواهی کرد و به ابراز تمایل برای همکاری‌های بیشتر با جمهوری اسلامی پرداخت. بعد از بحران تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران و انزوای بین‌المللی پس از آن، چین یک شریک حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران گشت. در طول جنگ ایران - عراق که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ به طول انجامید، چین یکی از مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده سلاح برای ایران محسوب می‌شد و در دهه‌های بعدی، چین به آرامی اما به طور مسلم خود را به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر در اقتصاد، روابط تجاری، سیاست خارجی و امور نظامی ایران مبدل ساخت (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

در اواسط دهه ۲۰۰۰، هنگامی که ایالات متحده و شرکای آن در تلاش برای اعمال تحریم‌ها به منظور تلاش برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران بودند، چین از طریق فراهم آوردن کمک اقتصادی، ایجاد یک کانال مستقیم به شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز حمایت نظامی به تضعیف تلاش‌های آمریکا پرداخت. این روابط به طور دوجانبه سودمند بود. چین ایران را به‌عنوان یک منبع عظیم انرژی و یک بازار مهم ارزیابی می‌کرد. موقعیت ایران در چهارراه خاورمیانه، آسیای جنوبی و مرکزی و نیز اروپا، به همراه دسترسی به خلیج فارس و تنگه هرمز اهمیت آن را در چشم‌انداز چین از طریق تعقیب اقداماتی چون سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و حمل‌ونقل که برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین طرح‌ریزی شده بود، نمایان می‌ساخت (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

یک خلیج فارس با ثبات بی‌شک با منافع چین و دیگر کشورهای منطقه هم‌نوایی دارد. ایران کلید ثبات و امنیت خلیج فارس، یک دروازه بزرگ به آسیای مرکزی و مرکز مهم صادرات نفت

¹ Hua Guofeng

آسیای مرکزی است. چین باید روابط سیاسی و اقتصادی خود را با ایران گسترش دهد. به عنوان بخشی از سیاست خارجی چین در قبال ایران، چین همچنین باید در روابط ایران با همسایگان خود و به ویژه کشورهای عرب میانجی‌گری و تقویت کند و به آن‌ها کمک کند تا دشمنی‌های قدیمی را کنار گذاشته و روابط دوستانه برقرار نمایند. چین حتی باید در بهبود روابط ایران و آمریکا نیز اقدام نماید. ثبات منطقه خلیج فارس تنها زمانی اتفاق می‌افتد که یک آشتی کامل برقرار شود و ساختار امنیتی مورد پذیرش همه طرف‌ها ایجاد گردد (Zhang, 1999).

اگر چه چین از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران در ۲۰۱۰ حمایت کرد، با این حال، به تعامل خود با جمهوری اسلامی ادامه داد. برغم خروج شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان بین‌المللی از ایران، کالاها و خدمات چین به سمت بازار ایران سرازیر شد. ایرانی‌ها از ادامه همکاری‌های چین در زمانی که بجز چین و روسیه کشور دیگری حاضر به تعامل با ایران نبود، استقبال کردند. روابط دوجانبه با اعلام سیاست یک کمربند - یک راه آغازین (یا همان سیاست جاده ابریشم) افزایش یافت؛ طرحی که ایران در آن نقش مهمی ایفا می‌کند. هر دو کشور می‌خواستند منافع خود را دنبال نمایند بدون آنکه به روابط با دیگر بازیگران آسیایی وارد شود. چین به طور عمده، تمایل ندارد که حمایت این کشور از ایران به روابط این کشور با قدرت‌های غربی آسیایی وارد آورد (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

امروز، همانطور که ایالات متحده به دیگر کشورها و بنگاه‌های تجاری برای خروج از بازار ایران و نیز توقف صادرات نفت ایران فشار وارد می‌آورد، تهران امیدوار است که پکن مانع از آسیب‌های بزرگ‌تر اقتصادی شود. در حال حاضر، چین در حال بررسی گزینه‌های پیش‌رو است. از یک طرف، بنگاه‌های تجاری چین در موارد نقض تحریم‌های آمریکا یافت شوند. آن‌ها بیش از هر زمان دیگر جهانی شده‌اند، که این بدان معناست آن‌ها به مراتب و بیش از گذشته نسبت به تحریم‌های آمریکا آسیب‌پذیر هستند. آمریکا نیز برای تحریم شرکت‌های چینی همچون غول‌های مخابراتی هواوی و ZTE برای تجارت با ایران به خود تردید راه ندادند. شرکت‌های عمده چینی همچنان در ایران فعال هستند و برخی از آن‌ها نیز به کسب و کارهای اروپایی مشغول هستند. برای مثال، شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری سنگینی را در بخش انرژی و راه آهن ایران انجام داده‌اند. در جولای ۲۰۱۷ چین با سرمایه‌گذاری ۱,۵ میلیارد دلاری در راه آهن تهران - مشهد موافقت کرد. چین در روند پرداخت‌ها بسیار منعطف‌تر از گذشته عمل

می‌کند و برای وابستگی کمتر به دلار آمریکا تلاش می‌نماید پول ملی را جایگزین پرداخت واردات نفت کرده تا از این طریق مانع از فشارهای اقتصادی آمریکا شود. این بدان معناست که تجارت و همکاری‌های اقتصادی ایرانی - چینی احتمالاً ادامه خواهد یافت حتی اگر دولت ترامپ تحریم‌های جدیدی علیه ایران اعمال کند (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

چین همچنین نقش مهمی در حصول اطمینان از اجرای مفاد توافقنامه هسته‌ای دارد. با خروج ایالات متحده از معاهده، پکن نقش اصلی را در بازطراحی تأسیسات کلیدی هسته‌ای ایران، رآکتور آب سنگین اراک بازی می‌کند. چین همچنین آماده است تا دو رآکتور هسته‌ای جدید را در سال‌های آینده به اتمام برساند. این مسئله موجب می‌شود تا چین نقش مهمتری را در بخش هسته‌ای ایران ایفا نماید که سال‌ها تحت سلطه مسکو بوده است. از سوی دیگر، افزایش مشارکت خارجی در بخش هسته‌ای ایران مثبت است، چرا که این امر باعث می‌گردد تا برنامه هسته‌ای ایران در معرض دید و آزمون دیگران قرار گیرد. در سمت دیگر، با سرمایه‌گذاری چین در دیگر بخش‌های صنعت ایران، به انزوا کشاندن مؤثر ایران در عرصه بین‌المللی با مشکل مواجه خواهد شد (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

چین در حال حاضر در ایران مقبولیت دارد و این موضوع روند رو به رشد خواهد داشت تا زمانی که معاهده هسته‌ای با تزلزل ادامه داشته باشد. در حال حاضر، اروپایی‌ها در حال مذاکره میان خود هستند تا بسته‌انگیزی را توسعه دهند که ایران را تشویق به ماندن در قرارداد هسته‌ای کند. اما اروپا در توان خود در برابر آمریکا دارای محدودیت است. دولت‌های عضو اروپا در نهایت فاقد اراده سیاسی برای تضعیف تلاش‌های آمریکا در به انزوا کشاندن ایران هستند. از همین رو، در خلال تعقیب مذاکرات با اتحادیه اروپا، ایران روی پکن به‌عنوان یک مانع در برابر انزوای احتمالی ایالات متحده حساب می‌کند. تمایل چین برای ادامه تجارت با ایران تلاش‌های ایالات متحده برای به انزوا کشاندن ایران و نیز تحریم‌های بین‌المللی را کم‌اثرتر از گذشته می‌کند. حتی اگر ترامپ تحریم‌های یکجانبه را علیه ایران اعمال کند ایران تفاهم‌نامه هسته‌ای را نقض نخواهد کرد و دیگر کشورها نیز در کنار آمریکا قرار نخواهند گرفت. در نتیجه، آن‌ها به دنبال راه‌هایی برای ایزوله کردن بنگاه‌های تجاری خود از تحریم‌های یکجانبه آمریکا هستند. در بلند مدت، این امر به شدت تلاش‌های آمریکا برای ایجاد یک معامله جدید را کاهش خواهد داد (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

روابط چین و اسرائیل: همکاری رو به رشد و شراکت غیرراهبردی

در ۹ ژانویه ۱۹۵۰ نخست‌وزیر اسرائیل با ارسال تلگرافی از تصمیم این کشور برای شناسایی دولت جمهوری خلق چین به‌عنوان دولت مشروع و قانونی چین خبر داد. اسرائیل نخستین کشوری بود که چین جدید را به رسمیت شناخت. با این حال، بعدها چین به دلیل آنکه اسرائیل مورد حمایت آمریکا بود و سرزمین‌های عربی را به اشغال خود درآورده بود، از برقراری رابطه دیپلماتیک با آن کشور خودداری کرد. چین حمایت از آزادسازی فلسطین را وظیفه غیرقابل اجتناب خود تلقی می‌کرد. هدف دیپلماتیک چین پیروزی اعتماد و روابط دوستانه ملت‌های عرب و جهان سوم بود تا از این طریق از انزوای تحمیلی بلوک‌های شرق و غرب خارج شود و نیز بتواند یک جبهه متحد بین‌المللی را علیه امپریالیسم و هژمونیسیم برپا سازد. با این حال، تا اوایل دهه ۱۹۷۰ هیچ یک از دولت‌های نه‌گانه عربی اقدام به شناسایی دولت جمهوری خلق چین نکردند (Zhang, 1999).

با پایان جنگ سرد و اصلاحات و بازگشایی چین، درگیری‌های ایدئولوژیک در روابط بین‌الملل به طور تدریجی رو به ضعف نهاد. علاوه بر این، هر دو طرف دولت‌های عربی و اسرائیل به طور کلی پذیرفتند که باید بعد از ۴۰ سال منازعه با واقعیت‌های موجود مواجه شوند. در نتیجه، برقراری رابطه دیپلماتیک با اسرائیل در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ امری منطقی برای چین به حساب می‌آمد. عادی‌سازی روابط بین چین و اسرائیل نه تنها موجب استقرار پایه مستحکم برای توسعه بیشتر روابط میان دو کشور شد، بلکه این امکان را برای چین فراهم ساخت تا در امور خاورمیانه‌ای مشارکت و تأثیرگذاری بیشتری پیدا کند (Zhang, 1999).

چین و اسرائیل روابط تجاری، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های فرهنگی خود را به طور گسترده افزایش داده‌اند، اما موانع مختلفی بر سر روابط نزدیک‌تر همواره وجود داشته است. چین و اسرائیل شرکای بدهی و طبیعی نیستند. در اندازه مطلق، جمعیت‌شناسی، سمت‌گیری‌های ژئوپلیتیک، آن‌ها بسیار متفاوت به نظر می‌رسند. چین برخوردار از ۱۰ شهر بزرگ‌تر از کل جمعیت اسرائیل است. چین هیچ جامعه یهودی بومی ندارد و اسرائیل نیز فاقد جمعیت بومی چینی است. اسرائیل با اصلی‌ترین رقیب چین در جهان یعنی آمریکا همپیمانی نزدیکی دارد. اگر چه، روابط اسرائیل - چین در برخی از جبهه‌ها پیشرفت زیادی داشته است. سال‌های اخیر شاهد پیشرفت‌های شگرفی در تجارت، سرمایه‌گذاری، مبادلات آموزشی و گردشگری بین دو کشور بوده‌ایم. این مسئله ناشی از چیست؟ برغم اختلافات بسیار زیادی که

بین چین و اسرائیل وجود دارد، انگیزه‌های چین و اسرائیل به طور مشابه عمل‌گرایانه است؛ هر دو کشور به دنبال گسترش روابط و همکاریها در خارج از منطقه خود هستند چراکه آنها را به فرصت‌های تجاری و بازارهای جدید متصل می‌کند. به طور خاص، چین به بخش فناوری اسرائیل نظر دارد و اسرائیل از سرمایه‌گذاری و پتانسیل چین در همکاری‌های تحقیقاتی استقبال می‌کند. همچنین، این کشور از روابط خود با چین برای تداوم تحریم‌ها و جلوگیری از تلاش‌های سلبی دیگر کشورها استفاده می‌کند (Abrams, 2018).

تجارت بین دو کشور از ۱۱ میلیارد دلار پیشی گرفته است که رقم کوچکی در مقابل رقم تجارت این کشور با آمریکا یا اروپاست اما دویست برابر بزرگتر از حجم تجارت با اسرائیل در ۲۵ سال پیش است. در دوره مشابه طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۷ حجم روابط چین و آمریکا بیست برابر بزرگتر شده است (Abrams, 2018).

چینی‌ها در اسرائیل کوچک چه می‌بینند؟ به نظر می‌رسد هدف اصلی آنها بهره‌گیری از فناوری و تحقیقات اسرائیل است. به قول سفیر اسرائیل در چین، در دیدگاه چین، اسرائیل برغم اندازه کوچک خود، از منظر دستاوردهای علمی، تعداد فعالیت‌های نوآورانه، و تعداد برندگان جایزه نوبل برجسته می‌شود. همچنین، سرمایه‌گذاری‌های چین شامل فناوری‌های بالا، کشاورزی، غذا، آب و بیوتکنولوژی می‌شود (Abrams, 2018).

رابطه اقتصادی چین و اسرائیل عمیق‌تر از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی چین در بنگاه‌های اقتصادی اسرائیل است. هنگام دیدار نتانیاو نخست‌وزیر اسرائیل از پکن در سال ۲۰۱۷، وی اعلام کرد چین یک سوم سرمایه‌گذاری در بخش فناوری‌های پیشرفته در اسرائیل را به خود اختصاص داده است. سرمایه‌گذاری‌های چین در اسرائیل بر پروژه‌های زیربنایی اسرائیل تمرکز دارد. بنابر گزارش مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل در سال ۲۰۱۷، چین در حال ساخت زیرساخت‌های اسرائیل، از قبیل نونل‌های کارنل در حیفا، راه‌اندازی خطوط خط آهن در تل‌آویو و گسترش بنادر دریایی حیفا و اشدود است و همچنین در حال ورود به صنعت ساخت و ساز مسکونی است (Abrams, 2018).

به گزارش SIGNAL^۱ در سفر نتانیاو به پکن ده قرارداد دوجانبه همکاری و موافقت‌نامه تجاری به ارزش ۲۵ میلیارد دلار به امضای طرفین رسید. این گزارش همچنین می‌افزاید

^۱ SINO-ISREAL GLOBAL NETWORK AND ACADEMIC LEADERSHIP

سرمایه‌گذاری چین در بخش فناوری اسرائیل به رقم بی‌سابقه ۱۶.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید که ده برابر نسبت به سال ۲۰۱۵ افزایش یافته بود.

نتانیاهو بارها اظهار امیدواری کرده است که روابط اقتصادی گسترده‌تر با چین بتواند موجب همگرایی بیشتر در سازمان ملل متحد شود. این مسئله در مورد هند که روابط تجاری گسترده‌ای با اسرائیل طی دو دهه اخیر داشته اتفاق افتاده است. به دنبال این افزایش در تجارت، هند در موارد متعددی در سال‌های اخیر، الگوی قبلی خود در رأی دادن همراه با دولت‌های عرب در ضدیت با اسرائیل در سازمان ملل متحد را ترک کرده است. با این حال، هرچند چین الگوی رأی دادن خود را تغییر نداده است، هر زمان که در سازمان ملل رأی می‌دهد، در صف مخالفین اسرائیل قرار دارد (Abrams, 2018).

سطح روابط رو به رشد اسرائیل و چین نگرانی‌هایی را در سطح داخل و نیز خارج به همراه داشته است. در سال ۲۰۰۴ دولت جورج بوش این چنین مطالبه کرد که اسرائیل به تعهد خود مبنی بر ارتقای سیستم موشک‌های هارپ عمل نکرده است سیستمی که صنایع هوا و فضای اسرائیل آن را به مبلغ ۵۵ میلیون دلار به چین فروخته است. مقامات ایالات متحده با اعلام نگرانی‌های امنیتی خود ادعا کردند که این سیستم موشکی از فناوری آمریکایی برخوردار بوده است. مقامات اسرائیلی اتهامات را رد کردند و صنایع هوا و فضای اسرائیل از تعهدات قراردادی خود با چین پیروی کردند (Abrams, 2018).

در سطح داخلی نیز مقامات امنیتی اسرائیل به طور فزاینده با نقش در حال گسترش چین در اقتصاد، به طور ویژه درگیر شدن این کشور در چندین پروژه زیربنایی بزرگ و نیز خرید فناوری‌های پیشرفته اظهار نگرانی کرده‌اند. این نگرانی‌ها در دو دسته قابل تقسیم است؛ دسته نخست به کنترل چین بر زیرساخت‌های استراتژیک و امکان جاسوسی باز می‌گردد. برای مثال، برنده شدن شرکت گروه بندر بین‌المللی شانگهای در سال ۲۰۱۵ در مناقصه ساخت و سازهای بندر حیفا یکی از مسائل مورد نگرانی مقامات امنیتی است. حیفا شلوغ‌ترین بندر و نیز پایگاه اصلی ناوگان دریایی اسرائیل محسوب می‌شود. محلی که زیردریایی‌های اسرائیل که قادر به پرتاب موشک‌های هسته‌ای هستند در آن جا لنگر انداخته‌اند. با این حال، معاهده شرکت چینی هرگز در شورای امنیت ملی یا کابینه اسرائیل مورد بحث قرار نگرفته است (The Economist, 2018).

نگرانی دیگر به انتقال فناوری تسلیحات پیشرفته به چین باز می‌گردد. بعد از شکایت‌های فراوان آمریکا، اسرائیل موافقت کرد تا فروش سلاح به چین را در سال ۲۰۰۵ متوقف سازد. با این حال، منطقه خاکستری در فناوری‌های کاربرد دوگانه همچون هوش مصنوعی و محصولات امنیتی سایبری می‌تواند برای اهداف نظارتی و اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرد. این مسئله به نگرانی مشابه اسرائیل و همپیمانانش منجر شد. مقامات امنیتی هشدار دادند که چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، مرگبارترین دشمن اسرائیل است. چین به مدرن کردن نیروهای مسلح ایران و نیز فروش فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای اقدام کرده است (The Economist, 2018).

روابط تجاری اسرائیل و چین با سفر نتانیاهو به چین و دیدارش با رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ شکوفا شد. در هشت ماهه نخست سال ۲۰۱۸ اسرائیل ۳٫۵ میلیارد دلار کالا و خدمات به چین عرضه کرد که در مقایسه با مدت زمان مشابه در سال قبل ۶۳ درصد افزایش داشته است. چین سومین سرمایه‌گذار عمده در بخش فناوری اسرائیل بوده است (The Economist, 2018). نتانیاهو تلاش دارد تا با تأسیس یک سازمان دولتی معاملات با چین را تنظیم کند چراکه بنا به اذعان رئیس سابق سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد) اسرائیل در حال حاضر هیچ مکانیسم دقیقی برای اطمینان از عدم فروش دارایی‌های اقتصادی کلیدی و دانش فناورانه ارزشمند خود ندارد (The Economist, 2018).

روابط چین و ترکیه: از همکاری راهبردی تا شراکت راهبردی

با امضای توافق‌نامه مشترک در سال ۲۰۰۰، روابط ترکیه و چین در یک مسیر مثبت قرار گرفت. روابط دو کشور ده سال بعد با سفر نخست‌وزیر چین به آنکارا به سرعت رو به گسترش گذاشت و پکن توافق‌نامه‌هایی را برای ارتقای سطح روابط دو جانبه به سطح همکاری استراتژیک امضا کرد (Colakoglu, 2015: 16). هم‌زمان با این دیدار، نیروی هوایی چین و ترکیه نخستین تمرین نظامی مشترک خود را در پایگاه هوایی کونیا در آناتولی مرکزی انجام دادند (Reuters, 2010).

روابط چین و ترکیه در دوره شی جین پینگ پویاتر از گذشته شد. نخستین سفر شی جین پینگ به ترکیه به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در فوریه ۲۰۱۲ رقم خورد و طی این دیدار پروژه‌های بزرگی در بخش‌های انرژی هسته‌ای و بخش‌های راه آهن در دستور کار قرار داشت

(www.fmprc.gov.cn). نخست‌وزیر(وقت) رجب طیب اردغان نیز به طور متقابل، سه ماه بعد به چین سفر کرد (DW, 2012). در همین سال، ترکیه عضو ناظر سازمان همکاری شانگهای (که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد) گردید؛ سازمانی که چین از اعضای مؤثر آن به شمار می‌آید (People's Daily, 2012).

شکوفایی بعدی روابط ترکیه و چین متعاقب بیگانگی آشکار راهبردی ترکیه از غرب رخ داد. اختلافات میان آنکارا و آمریکا و متحدان غربی آن، انباشته شده و همین امر موجب تضعیف روابط فی‌مابین ترکیه و غرب گردیده است. در واقع، از زمان کودتای نافرجام جولای ۲۰۱۶ روابط ترکیه با غرب در سطح پائینی قرار دارد. این شرایط بعضی ناظران را تشویق می‌کند تا شرایطی را در نظر بگیرند که روابط متلاطم فزاینده ترکیه با غرب ممکن است به تغییر اساسی جهت‌گیری راهبردی ترکیه به سوی شرق شود (The Washington Post, 2014).

در نوامبر ۲۰۱۶ نخست‌وزیر(وقت) اردغان نشان داد که این امکان وجود دارد تا در صورت عضویت کامل ترکیه در سازمان همکاری‌های شانگهای این کشور از تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا چشم‌پوشی کند (Hürriyet Daily News, 2016). دو دیدگاه در باره این سخن اردغان وجود دارد. برخی کارشناسان ترکیه معتقدند که این سخن واکنشی نسبت به سرعت پائین مذاکرات عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. با این حال، برخی دیگر معتقدند که این سخنان نشان‌دهنده عزم جدی اردغان به تغییر سیاست خارجی ترکیه به سوی شرق است.

روابط تجاری فی‌مابین ترکیه و چین با چالش‌هایی مواجه بوده است. برای مثال، در سپتامبر ۲۰۱۳ مناقصه نیروگاه هسته‌ای با چین به کنسرسیون ژاپنی - فرانسوی واگذار شد. در نوامبر ۲۰۱۵، درست پیش از ورود رئیس‌جمهور چین به آنکارا جهت شرکت در اجلاس سران گروه جی ۲۰، ترکیه مذاکرات در مورد مزایده دفاع موشکی چین را لغو کرد (DW, 2015). این واقعیت که پکن هیچ‌گاه حزب کارگران کردستان را به‌عنوان یک سازمان تروریستی به رسمیت نشناخته است، رهبران ترک را دل‌چرکین کرده است.

اختلافات بر سر مسئله اویغور روابط چین و ترکیه را مسحور کرده است. پکن از فعالیت‌های ضد چینی دیاسپورای اویغور در ترکیه کاملاً ناراضی است. در همین راستا، پکن صدور گذرنامه‌های ترکی به پناهجویان اویغور در سال‌های اخیر را به‌مثابه یک اقدام هتاکانه تلقی

می‌کند (Daily Sabah, 2015). در همین حال، ترکیه اصرار دارد تا چنین اقداماتی در چارچوب مسئولیت‌های بشردوستانه ترکیه تلقی شود نه به مثابه مواضع ضد چینی. بر اساس برخی گزارش‌ها، بین ۱۰ تا ۲۰ هزار اویغوری در استان ادلب در شمال سوریه زندگی می‌کردند که ستیزه‌جویان اویغور در صفوف احرار الشام در حال مبارزه با دولت مرکزی سوریه بودند (AP News, 2017).

پکن از این موضوع نگران بود و این امکان وجود داشت برخی از این ستیزه‌جویان به چین بازگردند که در این صورت آن‌ها می‌توانند یک تهدید امنیتی باشند. در این مقطع، پکن آنکارا را برای عدم جلوگیری از توسعه بیشتر جهادی‌های شبکه اویغور در سوریه مورد انتقاد قرار داد. یکی دیگر از چالش‌های موجود در رابطه با مسئله اویغور، محدودیت‌های جدیدی است که پکن از ۱۵ فوریه ۲۰۱۶ برای صدور ویزا جهت شهروندان ترک اعمال کرده است. رژیم جدید صدور روادید چندین مورد را تعقیب می‌کند که مقامات چینی ادعا می‌نمودند که شواهدی وجود دارد که برخی گروه‌های ترک و اویغور از گذرنامه‌های ترک برای قاچاق انسان از چین به سوریه استفاده کرده‌اند (BBC News, 2015). رژیم جدید صدور روادید، تقریباً سفر شهروندان ترک به چین را غیرممکن می‌سازد؛ در حالی که در سال پیش از آن آنکارا یک سیستم روادید الکترونیک را برای تسهیل مسافرت اتباع چین برای سفر به ترکیه راه‌اندازی کرده بود.

با این وصف، معاون وزیر خارجه چین نخستین مقام ارشد خارجی بود که پس از کودتای نافرجام ۱۵ جولای ۲۰۱۶ برای ابزار همبستگی چین با حزب توسعه و عدالت به آنکارا سفر کرد (The Diplomat, 2016). از آن زمان به بعد، با تیرگی روابط آنکارا و آمریکا، روابط حزب عدالت و توسعه با چین رو به تقویت گذاشته است.

در تلاشی برای ارتقای سطح همکاری‌ها و روابط، رئیس‌جمهور رجب طیب اردغان به همراه هیئتی بلندپایه، در نشست مجمع راه ابریشم در پکن شرکت کرد. در پی این سفر، ترکیه و چین موافقت‌نامه‌هایی در خصوص استرداد مجرمین، کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی و ایجاد متقابل مرکز فرهنگی امضا کردند (Daily Sabah, 2017).

در ۳ اوت ۲۰۱۷ وزرای خارجه دو کشور، چاووش اغلو و وانگ یی در پکن با یکدیگر دیدار کردند. در نتیجه این دیدار، چاووش اوغلو قول ریشه‌کن کردن ستیزه‌جویان ضد چینی و نیز

ممانعت از هرگونه اقدامی که چین مورد هدف قرار بگیرد (از جمله سرکوب گزارش‌های رسانه‌ای که دارای محتوای ضد چینی باشد) را داد (VOA News, 2017).

برغم برخی تنگناها، روابط اقتصادی چین و ترکیه در سال ۲۰۱۶ به شدت رو به گسترش نهاد. بر اساس گزارش مؤسسه آمار ترکیه، حجم تجارت دوجانبه در سال ۲۰۱۶ به رقم ۲۷,۸ میلیارد دلار افزایش یافت و در ده ماهه نخست سال ۲۰۱۷ به رقم ۲۱,۶۶ میلیارد دلار رسید (The Turkish Statistical Institute). بنا به گزارش وزارت بازرگانی چین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در ترکیه در سال ۲۰۱۶ به ارزش ۶۴۲,۳ میلیون افزایش یافت (Lerner, 2017). وزارت اقتصاد ترکیه چنین ادعا می‌کند که در سال ۲۰۱۷، ۷۸۶ شرکت چینی در ترکیه به ثبت رسیده اند (The Turkish Ministry of Economy).

گردشگری نیز در حال افزایش است. در حدود ۲۰۰ هزار توریست چینی در سال ۲۰۱۷ به ترکیه سفر کردند. مقامات ترکیه اعلام نمودند بازدیدکنندگان چینی به رقم ۳۰۰ هزار نفر در پایان سال ۲۰۱۸ رسید. اخیراً چین محدودیت‌های قبلی در مورد صدور روادید برای تجارت ترکیه را کاهش داده است (China Daily, 2018).

روابط چین و عربستان: شراکت راهبردی

تعاملات اقتصادی و روابط امنیتی نقش تعیین‌کننده‌ای را در تعاملات چین با دولت‌های حوزه خلیج فارس ایفا می‌کند. چین تلاش می‌کند تا از قدرت نفوذ اقتصادی برای توازن بخشیدن به تنش‌های عربستان سعودی و ایران استفاده کند. چین در سال ۲۰۱۷ از ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان سعودی پیشی گرفت و به بزرگ‌ترین رهبر تجاری ایران و عربستان تبدیل شد. در سال ۲۰۱۷ ملک سلمان قراردادی به ارزش ۶۵ میلیارد دلار را امضا کرد و دو کشور اجرای موافقت‌نامه‌های پتروشیمی، فناوری و دیگر بخش‌ها را آغاز کردند. علاوه بر عربستان، چین در مجمع همکاری‌های کشورهای عربی و چین، متعهد به ۲۳ میلیارد دلار کمک توسعه‌ای شده است. رئیس‌جمهور چین در سفر خود به امارات متحده عربی به بحث پیرامون همکاری‌های اقتصادی و امنیت منطقه‌ای پرداخت. علت این امر آن است که ۶۰ درصد تجارت چین با اروپا و آفریقا از طریق امارات متحده عربی عبور می‌کند (Daniels, 2018).

به لحاظ نظامی، چین اخیراً گشت‌زنی‌های دریایی خود را تا نزدیک خلیج عمان و خلیج عدن افزایش داده است. چین همچنین اقدام به تأسیس یک پایگاه در جیبوتی کرده است تا منافع تجاری و اقتصادی خود در منطقه و احتمالاً ایجاد یک نیروی نظامی بلندمدت حمایت نماید (Daniels, 2018).

تمایل چین برای تعامل با تهران ممکن است برای همکاری در حوزه امنیتی مشکلاتی به همراه داشته باشد حتی در زمانی که چین حضور نظامی خود در منطقه را ارتقا می‌دهد. رابطه چین با ایران مانع از روابط نزدیک با دولت‌های عرب شده است چه این که ناچار از آن است تا چالشی را به آمریکا به‌عنوان یک قدرت امنیت منطقه‌ای غالب تحمیل نماید. تا زمانی که پکن نزدیک به تهران باقی بماند، بعید است در کوتاه‌مدت عربستان و خلیج‌فارس چرخشی به چین برای خرید هواپیماهای بدون سرنشین و دیگر سخت‌افزارهای نظامی چین داشته باشند (Daniels, 2018).

سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی تنها عامل مؤثر در روابط چین و عربستان نخواهد بود، همکاری‌های امنیتی نیز به نظر می‌رسد به طور قابل توجهی افزایش پیدا خواهد کرد. این که چگونه نیروی هوایی عربستان در حال استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین چینی است موضوعی قابل تعمق می‌باشد. همچنین، نیروهای نظامی چین و عربستان در حال حاضر تمرینات مشترکی در زمینه مبارزه با تروریسم در غرب چین برگزار می‌کنند تمریناتی که رژیم پادشاهی عمدتاً با ارتش آمریکا انجام می‌داد. در یک جلوه از همکاری‌های نظامی رو به رشد، کشتی‌های نیروی دریایی چین از بندر جدّه به‌عنوان بخشی از مانورهای فعال روزافزون در خلیج عدن بازدید کردند (Oualaalou, 2017).

چین ممکن است به‌عنوان یک تازه وارد به خاورمیانه ادراک شود ولی در واقع استراتژی آن به طور کامل بر اساس اهداف بلندمدت طراحی شده است. حضور آن‌ها از نظر نظامی (موافقت‌نامه‌ها با هر دو کشور ایران و عربستان)، اقتصادی (قراردادهای پالایشگاه‌های نفتی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار با عربستان) و به لحاظ استراتژیک (بازنشانی جدول ژئوپلیتیک خاورمیانه در همکاری با اسرائیل و ایران) احساس می‌شود. برغم منازعات در حال وقوع در منطقه، پکن تمام سعی خود مبنی بر حفظ سیاست بیطرفی و حفظ روابط دوستانه به همه طرف‌ها برغم منافع متعارض ژئوپلیتیک ادامه داده است (Oualaalou, 2017).

نتیجه‌گیری

چین به‌عنوان یکی از قطب‌های در حال رشد در عرصه اقتصاد و سیاست جهانی در تلاش است تا خود را در چشم‌اندازی نزدیک به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در عرصه جهانی ارتقا بخشد و ظرفیت خود را تا سر حد قدرتی قاعده‌ساز افزایش دهد. این چشم‌انداز در گرو ادامه رشد اقتصادی مثبت چین است که بی‌تردید یکی از لوازم آن تضمین امنیت و نیز تداوم جریان انرژی و همچنین بازار فروش کالاها و خدمات چینی است.

خاورمیانه به‌عنوان یکی از مناطق حساس در ژئوپلیتیک جهانی نقش بسزایی را در ماتریس سیاست خارجی چین ایفا می‌کند. از همین رو، سیاست خارجی چین با تمرکز بر راهبرد میانجی‌گری و ارائه چهره‌ای غیرمداخله‌گر موجب شده تا ظرفیت کنشگری چین در منطقه رو افزایش گراید. توجه به این نکته ضروری است که چین در تنظیم سیاست‌های خود در منطقه همواره به رقیب سنتی خود یعنی ایالات متحده نظر داشته و به‌هیچ وجه قصدی برای مواجهه مستقیم با آمریکا در مسائل منطقه‌ای ندارد.

راهبرد اصلی چین در منطقه خاورمیانه تضمین ثبات و نیز امنیت جریان انرژی است. در حال حاضر، خاورمیانه و به‌طور خاص ایران اصلی‌ترین منبع تأمین‌کننده نفت چین به‌شمار می‌رود. چین در نظر دارد تا علاوه بر ایران منابع تأمین انرژی خود را متنوع گرداند؛ از این رو در تلاش است تا با دیگر تولیدکنندگان نفت در منطقه از جمله عربستان روابط نزدیکی برقرار سازد.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اصلی‌ترین بازار فروش کالاها و خدمات چینی به‌شمار می‌روند و در حال حاضر چین جزو شرکای تجاری اصلی این کشورها محسوب می‌شود. این روابط از زمان برگزاری نشست ۲۱ کشور عرب در پکن و سفر پادشاه عربستان به چین به سرعت رو به افزایش است.

در حوزه سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین، موضوع مهم نزدیکی به شرکای راهبردی غرب در منطقه است. کشورهای همچون ترکیه (که عضویت در ناتو موجب همپیمانی آن با غرب شده است) و عربستان و یا حتی اسرائیل به شرکای مهم و قابل توجه چین در منطقه تبدیل شده‌اند و در بسیاری از موارد این شراکت در رقابت با آمریکا قابل ارزیابی است.

در مجموع، می‌توان چنین اظهار داشت که برغم برخی تحلیل‌ها که چین را فاقد برخورداری از یک رویکرد راهبردی نسبت به خاورمیانه معرفی می‌کند، به نظر می‌رسد منطقه خاورمیانه جایگاه بالایی در رویکرد سیاست خارجی چین داشته و این کشور سعی دارد علاوه بر حضور سیاسی و اقتصادی خود در خاورمیانه، به تقویت حضور نظامی خود در خلیج فارس اقدام نماید تا از این طریق از جریان با ثبات انرژی در منطقه اطمینان یابد؛ اقدامی که تا کنون با مخالفت آمریکا مواجه نشده است.

برغم وجود رقابت میان بازیگران فرامنطقه‌ای در مسائل و بحران‌های خاورمیانه و منافع متعارض آنها در این بحران‌ها، به نظر می‌رسد چین تلاش دارد تا ضمن دوری از برخورد و مواجهه مستقیم با آمریکا در منطقه از موضعی بی‌طرفانه در روند معارضات و مناقشات منطقه‌ای دخالت نماید و از طریق افزایش وابستگی اقتصادی با کشورهای منطقه به افزایش نفوذ خود کمک کند. این شرایط می‌تواند در بلندمدت از نفوذ آمریکا در منطقه به نفع چین بکاهد و سیاست چرخش به شرق جایگزین سیاست غرب‌گرایانه در سمت‌گیری سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای شود.

منابع و مأخذ

1. "Turkey scraps Chinese air defense system," DW, November 18, 2015. <http://www.DW.com/en/turkey-scraps-chinese-air-defense-system/a-18857206>
2. "Erdoğan emphasizes importance of adopting win-win approach in New Silk Road Project," Daily Sabah, May 14, 2017.
3. "President Erdoğan: EU not everything, Turkey may join Shanghai Five," Hürriyet Daily News, November 20, 2016, accessed January 22, 2018, <http://www.hurriyetdailynews.com/president-erdogan-eu-not-everything-turkey-may-join-shanghai-five-106321>.
4. "Turkey assigned dialogue partner for SCO," Anadolu Agency, July 6, 2012, accessed January 22, 2018, <http://aa.com.tr/en/world/turkey-assigned-dialogue-partner-for-sco/363233>; and "SCO accepts Afghanistan as observer, Turkey dialogue partner," People's Daily, June 7, 2012.

5. "Turkey, China Pledge Security Cooperation," VOA News, August 3, 2017, accessed January 22, 2018, <https://www.voanews.com/a/turkey-china-pledge-security-cooperation/3971363.html>
6. "Turkey's Erdogan Makes Landmark Visit to China," DW, May 4, 2012, accessed January 22, 2018, <http://www.dw.com/en/turkeys-erdogan-makes-landmark-visit-to-china/a-15...>
7. "Turkish bosses call for easing of China's visa restrictions," Hürriyet Daily News, December 16, 2016. Regarding some of these incidents, see "China breaks 'Turkish-Uighur passport plot,'" BBC News, January 14, 2015, accessed January 22, 2018, <http://www.bbc.com/news/world-asia-china-30810439>.
8. Abrams, E. (2018). "What's Behind Israel's Growing Ties With China?". Council on Foreign Relations. Available at: <https://www.cfr.org/expert-brief/whats-behind-israels-growing-ties-china>
9. Ali Ünal, "Belt and Road project to boost Turkish economy, new envoy to China says," Daily Sabah, November 19, 2017.
10. Ayşe Şahin, "Turkey offers shelter to 500 Uighur refugees who fled Chinese crackdown," Daily Sabah, January 15, 2015.
11. Bercovitch, J. and Houston, A. (1996) "The Study of International Mediation: Theoretical Issues and Empirical Evidence," in Jacob Bercovitch (ed.), *Resolving International Conflicts: The Theory and Practice of Mediation* (Boulder, CO: Lynne Rienner, Publishers, 1996): 11-36.
12. Bianchi, R. (2016) "The Perception of the 2009 Ürümqi Conflict across the Islamic World," in Niv Horesh (ed.), *Toward Well-Oiled Relations? China's Presence in the Middle East following the Arab Spring* (London, UK: Palgrave Macmillan, 2016): 48-68.
13. Champion, M. and Leung, A. (2018). "Does China Have What It Takes to Be a Superpower?". Available at: <https://www.bloomberg.com/graphics/2018-china-superpower/>
14. Chaziza, M. (2018). "Middle East Institute. Available at: <https://www.mei.edu/publications/chinas-approach-mediation-middle-east-between-conflict-resolution-and-conflict>
15. Christina Lin, "Chinese Uyghur colonies in Syria a challenge for Beijing," Asia Times, May 21, 2017, accessed January 22, 2018, <http://www.atimes.com/chinese-uyghur-colonies-syria-challenge-beijing/>. See also Gerry Shih, "AP Exclusive: Uighurs fighting Syria take aim at China," AP News, December 23, 2017, accessed January 22, 2018, <https://www.apnews.com/79d6a427b26f4eeab226571956dd256e>

